



نشست بوین

ارنست بوین وزیر خارجه انگلیس برای جلوگیری از جدایی آذربایجان توسط کنگره خلق آذربایجان، از **ایران**، برای حل این اختلافت کمیسیون سه جانبه‌ای را پیشنهاد کرد که می‌بایست یازده اصل اساسی را در ایران به اجرا گزارد که بر اساس پیشنهاد او، هیئتی از سه کشور انگلیس، شوروی و **امریکا** و با برگزاری انجمن‌های ایالتی ولایتی را فراهم می‌کردند و در کل ایران را تحت قیمومت خویش در می‌آوردند.
^[1] بهنود، مسعود، دولت‌های ایران از اسفندماه سال ۱۲۹۹ تا ۱۳۵۷ از سید ضیاء الدین تا بختیار، ص ۲۵۳-۲۵۲، تهران، جاویدان، ۱۳۶۹.

فهرست مندرجات

- ۱ - **ایران بعد از جنگ جهانی دوم**
- ۲ - **تشکیل کنگره خلق آذربایجان**
- ۳ - **برخورد مجلس با کنگره خلق تبریز**
- ۴ - **پیشنهاد ارنست بوین**
- ۵ - **ملجر ای کمیسیون سه جانبه**
- ۶ - **بخش‌های مهم طرح بوین**
- ۷ - **برخورد اقلیت نمایندگان مجلس با طرح بوین**
- ۸ - **نطق مصدق در جلسه ۱۹ دی ماه**
- ۹ - **نتیجه کمیسیون و طرح سه جانبه**
- ۱۰ - **پانویس**
- ۱۱ - **منبع**

ایران بعد از جنگ جهانی دوم

از همان نخستین روزهای صدارت حکیمی هم‌زمان با غائله آذربایجان، دربار ایران برای جلوگیری از ناآرامی‌های موجود بعد از **جنگ جهانی دوم**؛ با ارتش ارتباط تنگاتنگی برقرار کرده بود؛ لذا برای قدرت نمایی و سرکوب یاعیان آذربایجان نیروهایی را رهسپار آذربایجان کرد؛ اما یاعیان به همراهی ارتش شوروی، آن نیروها را در شریف آباد قزوین متوقف کردند. به این ترتیب برنامه کار دولت حکیمی بر این قرار گرفت که از دول متفق و استالین شکایت و برای حل مشکل با آنها به مذاکره بپردازد. البته پیش از این اقدام حکیمی، شاه و دربار هم که حوادث پایان جنگ را نظار مگر بودند، برای تخلیه‌ی ایران از نیروهای متفق، حسین علاء وزیر دربار را به عنوان سفیر به واشنگتن فرستادند.
^[1] بهنود، مسعود، دولت‌های ایران از اسفندماه سال ۱۲۹۹ تا ۱۳۵۷ از سید ضیاء الدین تا بختیار، ص ۲۵۳-۲۵۲، تهران، جاویدان، ۱۳۶۹.

حسین علاء همان قدر با آمریکاییها دوست بود که تقی‌زاده با انگلیسیها رفاقت داشت. با این انتخاب دربار کوشید رابطه‌ی خود را به این دو **قدرت** محکم کند، مجید آهی نیز در دربار مسکو، بار سنگینی بر عهده داشت و آن تشکیل کنگره خلق آذربایجان بود.

^[2] بهنود، مسعود، دولت‌های ایران از اسفندماه سال ۱۲۹۹ تا ۱۳۵۷ از سید ضیاء الدین تا بختیار، ص ۲۵۳-۲۵۲، تهران، جاویدان، ۱۳۶۹.

^[4] مهدی‌نیا، جعفر، زندگی سیاسی حکیمی نخست وزیران ایران (۸)، ص ۱۴۰-۱۴۵، تهران، امید فردا، ۱۳۸۵.

تشکیل کنگره خلق آذربایجان

با متوقف شدن نیروهای ارتش ایران در **قزوین**، قاضی محمد، **رهبر** جنبش کردها (رئیس فرقه دموکرات کردستان) به پیشه‌وری در **تبریز** پیوست. پیشه‌وری در جلسه اول کنگره که بوسیله حاج عظیمخان، برادر ستارخان گشایش یافت، از همبستگی کامل با ایرانیان و خود مختاری آذربایجان به عنوان بخشی از ایران سخن گفت؛ اما طی ۸ روزی که کنگره ادامه یافت، افکار جمع به سوی انتخابت مجلس ملی آذربایجان رفت. این همان راهی بود که کشورهای شرق **اروپا** می‌رفتند، تا تبدیل به جمهورهای دموکراتیک و وابسته به شوروی شوند. کنگره خلق به ریاست حاج علی شبستری افتتاح شد و پیشه‌وری مامور تشکیل کابینه گردید و اعضای کابینه‌اش را به مجلس تقدیم کرد.

^[5] بهنود، مسعود، دولت‌های ایران از اسفندماه سال ۱۲۹۹ تا ۱۳۵۷ از سید ضیاء الدین تا بختیار، ص ۲۵۳، تهران، جاویدان، ۱۳۶۹.

^[6] مهدی‌نیا، جعفر، زندگی سیاسی حکیمی نخست وزیران ایران (۸)، ص ۱۴۳، تهران، امید فردا، ۱۳۸۵.

در همین زمان حکیمی شخصی به نام سهام‌السلطان را به عنوان استاندار با اختیارات کامل برای بررسی این موضوع به تبریز فرستاد، تا به سبک خود با ملایمت مسئله را با پیشه‌وری حل کند؛ اما مذاکرات او با پیشه‌وری با شکست مواجه شد.

حکیمی که فهمید، مسئله باید از مسکو حل شود به مذاکرات و ملاقاتهای تقی‌زاده و حسین علاء امید بست.

در همین زمان ارتش شاهنشاهی دست به کار شدند و دو تن از برجسته‌گان ارتش به نام‌های سرتیپ درخشانی و سرهنگ وهرام که هر دو آذربایجانی الاصل بودند، را به گلوله بست؛ ساعاتی بعد در همان روز کاپوینی وزیر جنگ پیشه‌وری (رئیس کنگره) فوراً دستور خلع سلاح ارتش ایران را صادر کرد و به دنبال آن کنگره خلق به زندانها حمله کردند و زندانها را گشودند و فردای همان روز کل منطقه تسلیم کنگره خلق تبریز شد و جدایی خود را از ایران اعلام نمودند.

[۱۷] بهنود، مسعود، دولت‌های ایران از اسفندماه سال ۱۲۹۹ تا ۱۳۵۷ از سید ضیاء‌الدین تا بختیار، ص ۲۵۳، تهران، جاویدان، ۱۳۶۹.

[۱۸] مهدی‌نیا، جعفر، زندگی سیاسی حکیمی نخست وزیران ایران (۸)، ص ۱۴۶، تهران، امید فردا، ۱۳۸۵.

پیشنهاد ارنست بوین

چهار روز بعد از این واقعه براساس قرار قبلی وزیران خارجه سه کشور پیروز، در مسکو گرد آمدند؛ رادیو لندن اعلام کرد مسئله ایران در دستور مذاکرات کار قرار گرفته است، در این حال انگلیس توانسته بود دربار ایران، ارتش، دولت و اکثریت اعضای مجلس شورای ملی را با خود همگام کند و شوروی فرقه دموکرات را با خود همگام کرده بود. سفرای انگلیس و آمریکا در تهران و چند کارشناس از سفارت نیز در مسکو حاضر بودند، بیرنس وزیر خارجه آمریکا پس از جنگ بی‌طرفی خود را حفظ کرده بود و در اکثر جدال‌ها نقش میانجی را برگرزیده بود، ژاپن که به دنبال بمباران اتمی هیروشیما و ناگازاکی بدون قید و شرط تسلیم شد و ارتش جنگ در سراسر چین خاموش گردید و دیگر بهانه‌ای برای اشغال ایران نمانده بود، لذا دولت ایران در کنفرانس وزیران خارجه سه کشور که چند روز قبل از آن در لندن تشکیل شده بود، باز این مسئله را مطرح کرد، در این حین ارنست بوین وزیر خارجه انگلیس برای جلوگیری از اختلافات کمیسیون سه جانبه‌ای را پیشنهاد کرد که می‌بایست، یازده اصل اساسی را در ایران به اجرا گزارد که بر اساس پیشنهاد او هیئتی از سه کشور انگلیس، شوروی و آمریکا برگزاری انجمن‌های ایالتی و لایته را فراهم می‌کردند و در کل ایران را تحت قیومت خویش در می‌آوردند.

[۱۹] بهنود، مسعود، دولت‌های ایران از اسفندماه سال ۱۲۹۹ تا ۱۳۵۷ از سید ضیاء‌الدین تا بختیار، ص ۲۵۳-۲۵۲، تهران، جاویدان، ۱۳۶۹.

ملازمی کمیسیون سه جانبه

این قصه از این قرار بود که دولت‌های انگلیس و آمریکا یک طرح یازده ماده‌ای به کنفرانس مسکو تسلیم کردند که ایران را تا حد یک مستعمره کاهش می‌داد. کمیسیون می‌توانست در یکایک کارهای ایران و کلیه مسائل آن روز ایران دخالت کنند و در واقع قیومت و سرپرستی ایران را عهده‌دار می‌شوند. فکر قرار دادن ایران تحت نظارت سه دولت بزرگ در آن هنگام در محافل انگلیسی و امریکایی مطرح بود.

[۲۰] هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، سیاست خارجی ایران در دوره پهلوی اول، ص ۱۰۷-۱۰۸، تهران البرز، ۱۳۷۴.

دکتر میلسیو رئیس کل داریبی ایران در خاطراتش از دوران جنگ جهانی دوم می‌نویسد: به نظر می‌رسد، بهتر باشد وظیفه هدایت امور داخلی ایران بر عهده سه دولت بزرگ واگذار شود تا وقتی این سه دولت نتوانند طریقه موثری برای عملی ساختن این کار مهم بیابند، مشکل می‌توان دید که کار مناسب و سازنده‌ای با هر وسیله‌ای انجام پذیرد. اجرای اصول و شیوه‌ی کار باید عملاً به وسیله یک کمیسیون سه جانبه نظارت شود تا به محض اینکه مسئله‌ای به وجود آید به فوریت و پیش از آن که تبدیل به یک وضع پیچیده و اختلاف تلخ شود حل و فصل گردد.

[۲۱] میلسیو، ارنست، امریکاییها در ایران، ص ۳۳۸، ترجمه غلامرضا هوشنگ مهدوی، تهران، البرز، ۱۳۷۱.

بخش‌های مهم طرح بوین

از لحاظ حل و فصل اشکالات موجود بین دولت مرکزی ایران و بعضی از ایالات کشور، کمیسیون در تامین انجمن‌های ایالتی و لایته طبق مقررات قانون اساسی ایران با آن دولت مشورت کرده و کمک خواهد کرد.

توصیه‌های کمیسیون ک قبل از پیشنهاد به دولت ایران باید مورد تصویب سه دولت واقع شود و این طرح شامل تمام قلمرو جغرافیایی ایران به انضمام آذربایجان هم می‌شود.

کمیسیون کلیه توصیه‌ها را به صورت قانون در می‌آورد و آنها را به موقع به اجرا می‌گذارد.

اولین انتخابات ایالتی و لایته باید تحت نظر کمیسیون انجام گیرد.

این پیشنهاد محرمانه به دولت حکیمی داده شد و حکیمی پنهان از مردم برای به کار بستن آن گردن نهاد. در واقع این پیشنهاد کپی قرارداد ۱۹۰۷ بود، با این تفاوت که آمریکا هم شرکت داشت.

[۲۲] هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، سیاست خارجی ایران در دوره پهلوی اول، ص ۱۰۹-۱۰۸، تهران البرز، ۱۳۷۴.

[۲۳] بهنود، مسعود، دولت‌های ایران از اسفندماه سال ۱۲۹۹ تا ۱۳۵۷ از سید ضیاء‌الدین تا بختیار، ص ۲۵۳، تهران، جاویدان، ۱۳۶۹.

برخورد اقلیت نمایندگان مجلس با طرح بوین

این پیشنهاد محرمانه به دولت حکیمی داده شد و پنهان از چشم مردم به کار بسته شد. حکیمی تنها پیشنهاد کرد ۲ نماینده از ایران به این کمیسیون افزوده شود، یعنی اعضای آن به ۵ نفر برسد، هنگامی که این خبر از رادیو لندن منتشر شد، دکتر مصدق و بسیاری از نمایندگان مجلس بر علیه این کمیسیون به پا خاستند و در ۱۶ دی ماه به وسیله مصدق نامه‌ای با امضای چند تن از نمایندگان مجلس برای حکیمی نخست وزیر نوشتند که در آن نوشته شده بود، دولت حق هیچ گونه تصمیمی را در امور داخلی جزئی و یا کلی مستقیم و یا غیر مستقیم دخالت یک یا چند دولت خارجی را در امور داخلی ایران تلویحاً یا صریحاً نباید ندارد.

[۲۴] هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، سیاست خارجی ایران در دوره پهلوی اول، ص ۱۰۹، تهران البرز، ۱۳۷۴.

[۲۵] یمگانی، پارسا، کارنامه مصدق، ص ۹۸-۱۰۰، به کوشش خسرو شاکر، تهران، رواق، ۱۳۵۷.

به زودی اقلیت مجلس به رهبری دکتر مصدق دریافتند، امریکا با این طرح که عملاً به گسترش نفوذ انگلیس و شوروی خواهد انجامید، راضی نیست و همگی به شدت با آن مخالفت کردند، حکیم الملک به شدت از گفتگو در این باره امتناع کرد؛ اما با فشار دکتر مصدق مجلس ۲۰ نماینده را برای گفتگو با دولت برگزید. آنها طرح کمیسیون را فاش کردند و خود را در کانون حملات ملت قرار دادند، مصدق پیشنهاد استعفا به دولت داد؛ ولی حکیمی قبول نکرد و اظهار می‌کرد که دولت طرح را نپذیرفته است و اقدامی هم صورت نگرفته است؛ اما خبر رادیو لندن پرده‌ها را بر انداخت.

۱۶۱] بهنود، مسعود، دولت‌های ایران از اسفندماه سال ۱۲۹۹ تا ۱۳۵۷ از سید ضیاء الدین تا بختیار، ص ۲۵۳-۲۵۴، تهران، جاویدان، ۱۳۶۹.

نطق مصدق در جلسه ۱۹ دی ماه

ملت ایران باید اخبار مربوط به مملکت خود را از رادیوهای بیگانه بشنود؛ ولی وزارت خارجه نقشه‌های شومی را که بر علیه مصالح و استقلال ایران تریسم شده؛ حتی از نمایندگان مجلس مکتوم می‌کنند، اگر این پیشنهاد خوب است یا این که دولت در خوبی آن مرد است، چرا آن را منتشر نکردند تا صاحبان حق یعنی افراد ملت بتوانند در مقدرات خود نظراتی اظهار کنند و اگر بد است، چرا وارد مذاکره شدند و آن را همان روز اول رد نکردند. نظریات من این است که بین دولت راجع به طرز اداره نمودن قسمتی از مملکت با یک عده از اهالی آنجا اختلاف حاصل شده است. قبلاً باید با اهالی محل وارد مذاکره شد، شاید بتوان اختلاف را با خود آنها حل کرد و چنانچه این طریق نتیجه ندهد با دولت شوروی مذاکره کنیم که منع مرتفع و اختلاف حل شود. بنابراین صلاح نیست که دولت انگلیس و امریکا به نام سه دولت با ما داخل مذاکره شوند. بین نخست وزیر این بود که دولت شوروی به بهانه بعضی چیزها با ما وارد مذاکره نمی‌شود و من آن را قبول نکردم؛ زیرا شوروی می‌خواهد در این مملکت دولت دیگری بر آن ترجیح داده نشود و این همان موازنه سیاسی است که یک قرن وزرای با ایمان ما به آن عمل نمودند... و آن روز که سه دولت با هم متفق شدند کار ما تمام است... من برای صلاح ملت ایران از آقای حکیمی خواهش می‌کنم، بیش از این وقت مملکت را ضایع نکند و فوراً از کار کنارگیری کند...

۱۷۱] یمگانی، پارسا، کارنامه مصدق، ص ۹۹-۱۰۱، به کوشش خسرو شاکر، تهران رواق، ۱۳۵۷.

نتیجه کمیسیون و طرح سه جانبه

سخنرانی مصدق رسواکننده کامل طرح کمیسیون سه جانبه بود و پس از آن حتی نخست وزیر هم نتوانست از آن دفاع کند و این طرح از نطفه نابود شد.

۱۸۱] هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، سیاست خارجی ایران در دوره پهلوی اول، ص ۱۰، تهران البرز، ۱۳۷۴.

مصدق تا این تاریخ خواهان حل قضیه آذربایجان از راه گفتگوهای مستقیم با مردم آذربایجان و سپس دولت بود، لیکن در ۲۲ دی ماه ۱۳۲۴ نامه‌ای به نخست وزیر نوشت و درخواست کرد به هیئت نمایندگی ایران در سازمان ملل متحد دستور داده شد تا موضوع ایران را در دستور کار سازمان ملل قرار دهد و چون در این باره کسانی به او خرده گرفتند که رای ناهمگون داده است، پاسخ داد: تا از طریق مذاکرات مایوس نشویم مراجعه به سازمان ملل متحد را بر خلاف صلاح مملکت می‌دانم، لیکن اگر دولت نتواند قضیه آذربایجان را به طور مستقیم حل کند، منتها امیدی که برای ما هست همان طرح مسئله در سازمان ملل متحد است.

۱۹۱] هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، سیاست خارجی ایران در دوره پهلوی اول، ص ۱۱۰، تهران البرز، ۱۳۷۴.

سرانجام دولت حکیمی در ۳۰ دی ماه به تقی‌زاده سفیر ایران در لندن دستور داد که شکایت ایران از شوروی را تسلیم دبیر کل موقت سازمان ملل متحد بکند، و روز بعد استعفا داد.

۲۰۱] یمگانی، پارسا، کارنامه مصدق، ص ۱۰۳، به کوشش خسرو شاکر، تهران رواق، ۱۳۵۷.

پانویس

۱. [۱] بهنود، مسعود، دولت‌های ایران از اسفندماه سال ۱۲۹۹ تا ۱۳۵۷ از سید ضیاء الدین تا بختیار، ص ۲۵۳-۲۵۴، تهران، جاویدان، ۱۳۶۹.
۲. [۲] بهنود، مسعود، دولت‌های ایران از اسفندماه سال ۱۲۹۹ تا ۱۳۵۷ از سید ضیاء الدین تا بختیار، ص ۲۵۳-۲۵۴، تهران، جاویدان، ۱۳۶۹.
۳. [۳] بهنود، مسعود، دولت‌های ایران از اسفندماه سال ۱۲۹۹ تا ۱۳۵۷ از سید ضیاء الدین تا بختیار، ص ۲۵۳-۲۵۴، تهران، جاویدان، ۱۳۶۹.
۴. [۴] مهدی‌نیا، جعفر، زندگی سیاسی حکیمی نخست وزیران ایران (۸)، ص ۱۴۰-۱۴۵، تهران، امید فردا، ۱۳۸۵.
۵. [۵] بهنود، مسعود، دولت‌های ایران از اسفندماه سال ۱۲۹۹ تا ۱۳۵۷ از سید ضیاء الدین تا بختیار، ص ۲۵۳، تهران، جاویدان، ۱۳۶۹.
۶. [۶] مهدی‌نیا، جعفر، زندگی سیاسی حکیمی نخست وزیران ایران (۸)، ص ۱۴۳، تهران، امید فردا، ۱۳۸۵.
۷. [۷] بهنود، مسعود، دولت‌های ایران از اسفندماه سال ۱۲۹۹ تا ۱۳۵۷ از سید ضیاء الدین تا بختیار، ص ۲۵۳، تهران، جاویدان، ۱۳۶۹.
۸. [۸] مهدی‌نیا، جعفر، زندگی سیاسی حکیمی نخست وزیران ایران (۸)، ص ۱۴۶، تهران، امید فردا، ۱۳۸۵.
۹. [۹] بهنود، مسعود، دولت‌های ایران از اسفندماه سال ۱۲۹۹ تا ۱۳۵۷ از سید ضیاء الدین تا بختیار، ص ۲۵۳-۲۵۴، تهران، جاویدان، ۱۳۶۹.
۱۰. [۱۰] هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، سیاست خارجی ایران در دوره پهلوی اول، ص ۱۰۷-۱۰۸، تهران البرز، ۱۳۷۴.
۱۱. [۱۱] میلسیو، ارتور، امریکاییها در ایران، ص ۳۳۸، ترجمه غلامرضا هوشنگ مهدوی، تهران، البرز، ۱۳۷۱.
۱۲. [۱۲] هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، سیاست خارجی ایران در دوره پهلوی اول، ص ۱۰۹-۱۰۸، تهران البرز، ۱۳۷۴.
۱۳. [۱۳] بهنود، مسعود، دولت‌های ایران از اسفندماه سال ۱۲۹۹ تا ۱۳۵۷ از سید ضیاء الدین تا بختیار، ص ۲۵۳، تهران، جاویدان، ۱۳۶۹.
۱۴. [۱۴] هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، سیاست خارجی ایران در دوره پهلوی اول، ص ۱۰۹، تهران البرز، ۱۳۷۴.
۱۵. [۱۵] یمگانی، پارسا، کارنامه مصدق، ص ۹۸-۱۰۰، به کوشش خسرو شاکر، تهران، رواق، ۱۳۵۷.
۱۶. [۱۶] بهنود، مسعود، دولت‌های ایران از اسفندماه سال ۱۲۹۹ تا ۱۳۵۷ از سید ضیاء الدین تا بختیار، ص ۲۵۳-۲۵۴، تهران، جاویدان، ۱۳۶۹.
۱۷. [۱۷] یمگانی، پارسا، کارنامه مصدق، ص ۹۹-۱۰۱، به کوشش خسرو شاکر، تهران رواق، ۱۳۵۷.
۱۸. [۱۸] هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، سیاست خارجی ایران در دوره پهلوی اول، ص ۱۰، تهران البرز، ۱۳۷۴.
۱۹. [۱۹] هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، سیاست خارجی ایران در دوره پهلوی اول، ص ۱۱۰، تهران البرز، ۱۳۷۴.
۲۰. [۲۰] یمگانی، پارسا، کارنامه مصدق، ص ۱۰۳، به کوشش خسرو شاکر، تهران رواق، ۱۳۵۷.

[سایت پژوه، برگرفته از مقاله «نشست بوین» تاریخ باز یابی ۹۵/۰۵/۲۴.](#)

رده‌های این صفحه: [آذربایجان](#) | [تاریخ ایران](#) | [جنگ جهانی دوم](#) | [مقالات پژوه](#)